

درک مطلب باید همراه با نویسنده پیش رود و به منابع ارجاعی نویسنده مراجعه کند. خوشبختانه مترجمان با موضوعات و مفاهیم قرآنی، کلامی و تاریخی به خوبی آشنا بودند و به زبان انگلیسی تسلط داشتند. البته مدعی هم نیستند که کارشان خالی از نقص و کاستی بوده است. مطالعات اسلامی اسلام‌شناس، شیعه‌شناس و پژوهشگری بزرگ، ویلفرد مادلونگ، راز دست داد که جبران فقدان روحش شاد و آموزش الهی بر او باد. ▶

پی‌نوشت

- کتاب‌های ترجمه‌شدهٔ مادلونگ به فارسی عبارت‌اند از: مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی در سده‌های میانه، ترجمهٔ جواد قاسمی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۹۳ ش؛ جانشینی حضرت محمد (ص): پژوهشی در خلافت نخستین، ترجمهٔ احمد نمایی، جواد قاسمی، محمد جواد مهدوی، حیدررضا ضابط، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۹۳ ش؛ و فرقه‌های اسلامی، ترجمهٔ ابوالقاسم سزای، اساطیر، ۱۳۷۷ ش.
- برای اطلاع از این آثار و نقد و بررسی‌ها بنگرید به اثر فرهاد دفتری، با عنوان «کتاب‌شناسی آثار ویلفرد مادلونگ»، ص ۶ در *Culture and Memory in Medieval Islam, Essays in Honour of Wilferd Madelung*, Edited by Farhad Daftary and Josef W. Meri, I.B.Tauris in association with The Institute of Ismaili Studies, London, 2003.
- با عنوان: «نقدی بر دیدگاه مادلونگ دربارهٔ خلافت امام علی (ع) در کتاب جانشینی حضرت محمد (ص)»، نوشتهٔ حسین عبدالمحمدی و مرتضی علوی، و دو فصلنامه: پژوهشنامهٔ کلام، سال دوم / شمارهٔ سوم / پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ص ۱۰۷-۱۲۸.
- امام علی (ع) جانشین رسول الله (ص): نقدی بر کتاب جانشینی حضرت محمد (ص) از ویلفرد مادلونگ، نوشتهٔ حسین عبدالمحمدی و اسدالله رحیمی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۸ ش.
- امام علی (ع) جانشین رسول الله (ص): نقدی بر کتاب جانشینی حضرت محمد (ص)، ص ۱۱۳.

را اقتناع کند می‌توان گفت. یکی از ویژگی‌های اصلی کتاب مادلونگ آن است که نویسنده، آرا و نظریات اسلام‌شناسان غرب را دربارهٔ تاریخ صدر اسلام و جانشینی حضرت محمد (ص) بررسی و تحلیل می‌کند، در بعضی موارد آن‌ها را نادرست می‌داند و با بررسی و تحلیل آن‌ها دیدگاه‌های جدیدی ارائه می‌دهد. مادلونگ با زبان عربی به خوبی آشناست و بسیاری از اشعار دشواری را که به مناسبت طرح موضوعی تاریخی در منابع آمده است به زبان طبری و سایر منابع آمده است به زبان انگلیسی برمی‌گرداند. نویسندهٔ کتاب در همه جا دقت، وسواس علمی خود و پای بندی به آداب و قواعد پژوهش را نشان می‌دهد، حب و بغض در آن به چشم نمی‌خورد و هیچ‌گونه شتابزدگی در آن دیده نمی‌شود. مادلونگ به آیات قرآن اشراف دارد و در جهت بررسی مسئلهٔ جانشینی و اهل بیت پیامبران به کندوکاو در آن‌ها می‌پردازد. او اخبار و روایات اصیل تاریخی و منابع دست اول را نقل و بررسی می‌کند و گرچه بی‌طرف است و با بعضی از دیدگاه‌های شیعه و سنی همسو نیست، گرایش بیشتری به شیعه و موافقت با آن از خود نشان می‌دهد.

کسانی که با فن ترجمه آشنایی دارند می‌دانند که ترجمهٔ این‌گونه آثار چه دشواری‌هایی دارد. مترجم، علاوه بر تسلط به زبان مبدأ و مقصد، باید با موضوع هم به خوبی آشنا باشد. مترجمان همه تلاش خود را در ارائهٔ ترجمه‌ای پاکیزه از این اثر انجام دادند. منابع اصلی نویسنده را که به آن‌ها ارجاع داده بود فراهم آورده بودند و، در فرایند ترجمهٔ فارسی، مستقیم به متن اصلی مراجعه می‌کردند تا نقل قول‌ها با دقت کامل نوشته شوند و پیوسته با مادلونگ همکاری داشتند. وی در هر مورد از دادن پاسخ هیچ دریغی نداشت. کاستی‌ها و نقدها را با آغوش باز و روشن بینی می‌پذیرفت یا با ارائهٔ شواهد آن‌ها را رد می‌کرد. مادلونگ کار پرزحمت مترجمان را درک و از آنان قدر دانی کرد. هیچ ترجمه‌ای، به ویژه ترجمهٔ آثار تخصصی‌ای از این دست، نمی‌تواند تمام و کامل باشد. مترجم این‌گونه آثار تنها به کار ترجمه نمی‌پردازد، بلکه در کنار نویسنده تحقیق هم می‌کند، و علاوه بر

تجدید چاپ آن شده‌اند، از محقق غربی که کار پژوهشی انجام می‌دهد و بر مذهب شیعه نیست انتظار دارند به مسئلهٔ خلافت دقیقاً مانند آن‌ها بیندیشد، همان راهی را برود که آنان رفته‌اند، به همان باوری برسند که آن‌ها رسیده‌اند، همان روشی را به کار گیرند که آنان به کار گرفته‌اند و خلاصه بر همان مذهب آنان باشد تا ایشان را خوش آید، هر چند دیدگاه نوینی موافق با شیعه داشته و گفته باشد: «علی (ع) جانشین برحق پیامبر است و حتی اگر پیامبر به جانشینی کسی هم تصریح نکرده باشد. تا آنجا که قرآن افکار محمد (ص) را بیان می‌کند، او در نظر نداشت ابوبکر جانشین طبیعی وی باشد و راضی به انجام این کار نبود». اما گویا برایشان اهمیتی نداشته است که یک محقق مسیحی، که تمام عمر خود را برای اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی گذاشته، با دیدگاهی آزاد، برون دینی و غیرمغرضانه به تحقیق در تاریخ شیعه و اسلام پرداخته باشد.

اگر مادلونگ بعضی از دیدگاه‌های مخالفان اسلام را در کتابش نقل می‌کند، می‌خواهد نادرستی آن‌ها را نشان دهد، نه اینکه با آن‌ها موافق باشد، چنان‌که در نامه‌اش می‌گوید: «دیدگاه‌های لامنس و کایتانی را نقل کرده‌ام نه به این معنا که از آن‌ها جانبداری کنم، بلکه خواسته‌ام سوگیری که گاه افراطی آن‌ها را برسانم». وی برای بررسی و تحلیل یک نظر ناگزیر است بعضی از دیدگاه‌ها را مطرح کند. اگر ناقدان کتاب جانشینی را به دقت و غیرجانبدارانه می‌خوانند و بینش ژرف‌تر و منصفانه‌ای داشتند، درمی‌یافتند که به فرض که مطالب کفرآمیزی در آن آمده باشد، نقل کفر، کفر نیست. بلکه نویسنده برای اثبات نادرستی آن‌ها ناگزیر است آن‌ها را نقل کند. پژوهش همین است. اگر باید کار پژوهشی صورت گیرد جز این نمی‌شود. اگر قرار است در چنین موضوعی پژوهش صورت گیرد، با رعایت قواعد پژوهشی، یکی از بهترین گزینه‌ها پژوهنده‌ای است که منسوب به هیچ‌یک از دو طرف نباشد. و اگر مقصود پژوهش نیست و تبلیغ است، دیگر مقید بودن به آداب پژوهش، روش، تحلیل و عقل و استدلال جایی ندارد و چندان مهم نیست و هر چیزی که احساسات را برانگیزد و فرد

مادلونگ بعضی از دیدگاه‌های مخالفان اسلام را در کتابش نقل می‌کند، می‌خواهد نادرستی آن‌ها را نشان دهد، چنان‌که در نامه‌اش می‌گوید: «دیدگاه‌های لامنس و کایتانی را نقل کرده‌ام نه به این معنا که از آن‌ها جانبداری کنم، بلکه خواسته‌ام سوگیری که گاه افراطی آن‌ها را برسانم».